

Methods of Acquiring Episteme in Farabi's Rational Training

Fariba Adelzadeh* - Reza Nourouzi** - Jahanbakhsh Rahmaani ***

Abstract:

The current research is intended to explain methods of acquiring episteme in Farabi's Rational Training. In this research that employs Frankena's inductive method, the data are collected on the basis of deductive content analysis in line with describing concepts associated with the subject of the study. To this aim, meanings and concepts related to objectives of rational training in Farabi's thought are described and then concepts are listed in similar categories and realistic philosophical propositions associated with them are identified. Finally, through Frankena's inductive method, objectives, principles and methods of rational training in Farabi's thought are derived. The findings reveal that, according to Farabi, episteme is acquired through one of the following methods including 1) learning knowledge, 2) observation and 3) acquiring experience. Considering the findings, it can be concluded that giving a more careful and meticulous look at these methods can play a vital role for syllabus designers, educational planners and teachers in planning and setting provisions in fulfilling rational training. Schools, as a small social unit, can play a critical role toward this objective.

Keyword:

Farabi, Acquiring Episteme, Teaching, Observation, Acquiring Experience.



* PhD Candidate of Education Philosophy, Islamic Azad University, Khorasgan Branch, Isfahan

** Associate Professor in Department of Education Sciences, Isfahan University, Isfahan

*** Assistant Professor in Faculty of Education Sciences, Islamic Azad University, Khorasgan Branch, Isfahan

■ Adelzadeh, F. Nourouzi, R. Rahmaani, J (2020). Methods of Acquiring Episteme in Farabi's Rational Training. *Religious Anthropology*, 17 (44) 93-117

DOI: 10.22034/ra.2021.116743.2422

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
انسان پژوهی دینی

قم، بلوار غدیر، بعد از دانشگاه قم
مجمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره)
معاونت پژوهش، دفتر نشریات
کد پستی: ۳۷۱۶۱۴۶۷۳۳
Web: www.raaj.smc.ac.ir
E-Mail: ensanpajoohi@gmail.com
تلفن: ۰۲۵ - ۳۱۱۲۴۴۲۴

روش‌های کسب معرفت در تربیت عقلانی از منظر فارابی

فریبا عادل‌زاده نایینی*

رضاعلی نوروزی**

جهان‌بخش رحمانی***

چکیده

هدف این پژوهش تبیین روش‌های کسب معرفت در تربیت عقلانی از منظر فارابی است. روش پژوهش شیوه استنتاجی فرانکنا است. پس از گردآوری اطلاعات بر اساس روش تحلیل محتوای قیاسی، مفاهیم مربوط به موضوع تبیین شده است. به این منظور ابتدا معانی و مفاهیم مربوط به اهداف تربیت عقلانی در اندیشه فارابی را توصیف کرده‌ایم. سپس، مفاهیم هم‌دسته شده و در مقوله‌های مجزا قرار گرفته و گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی مربوط به آن مشخص شده است، و در آخر به روش استنتاجی فرانکنا اهداف، اصول و روش‌های کسب معرفت در تربیت عقلانی از منظر فارابی مشخص شده است. نتایج مبین آن است که در نگاه فارابی کسب معرفت یکی از روش‌های مؤثر در تربیت عقلانی است و از سه راه می‌توان به معرفت دست یافت: آموختن علم، مشاهده، و کسب تجربه. توجه دقیق‌تر مؤلفان کتب درسی، برنامه‌ریزان آموزشی و معلمان به این روش‌ها می‌تواند در برنامه‌ریزی و ایجاد زمینه لازم برای تحقق تربیت عقلانی مفید باشد و مدرسه به عنوان واحد اجتماعی کوچکی می‌تواند در این زمینه نقش ویژه‌ای داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: فارابی، کسب معرفت، آموختن علم، مشاهده، کسب تجربه.

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
** دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول: r.norouzi@edu.ui.ac.ir).
*** استادیار دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۷

مقدمه

در مکتب اسلام رشد و شکوفایی بُعد عقلانی جایگاه ویژه‌ای در سامان‌دهی به نظام فکری یا ایدئولوژی آدمی دارد، به طوری که برخی معتقدند پایه و اساس تربیت اسلامی تکیه بر عقل و جنبه عقلانی انسان دارد (شریعتمداری، ۱۳۸۸: ۷۰). بُعد عقلانی به عنوان سرمایه‌ای درونی در وجود آدمی، به خودی خود شکوفا نمی‌شود، و برای پیمودن راه سعادت و تکامل به هدایت و تربیت احتیاج دارد. این به آن معنا است که تربیت عقلانی به منزله راهی برای ایجاد زمینه مناسب به منظور پرورش قوه تفکر آدمی، ضروری است (ملکی، ۱۳۷۹: ۵۰۲). اندیشمندان و فیلسوفان مختلفی درباره عقل و تربیت عقلانی نظر داده و روش‌هایی را پیشنهاد داده‌اند. در این میان فارابی به عنوان مؤسس فلسفه اسلامی با استفاده از اندیشه‌های دو فیلسوف مشهور یونانی، افلاطون و ارسطو، و انتخاب عقلانی اندیشه‌های آنها در باب تعلیم و تربیت و تأیید و تقویت آنها تحت لوای اندیشه دینی از طریق آموزه‌های دینی، توانست بین فلسفه یونان و اسلام رابطه برقرار کند و نظام تربیتی بدیعی را بنیان نهد و در اندیشه‌ورزی فلاسفه پس از خود تأثیر انکارناپذیری داشته باشد. در اندیشه فارابی شش معنای مهم و کاربردی «عقل» عبارت‌اند از: ۱. تبیین معنای عقل در نزد عموم مردم (عقل به معنای زیرکی)؛ ۲. معنای جدلی عقل در نزد متکلمان؛ ۳. عقل برهانی در فلسفه؛ ۴. عقل عملی در اخلاق؛ ۵. عقل (در رساله نفس ارسطو) یا حقیقتی که واجد سه مرتبه هیولانی، بالفعل و مستفاد است و توجه به عقل فعال یا عقل فلکی مفارق و دخیل در فعلیت عقول انسانی است؛ ۶. معنای مصطلح در کتاب *مابعدالطبیعه* ارسطو. تنظیم سلسله مراتب عقل (نفس) انسانی، به این صورت برای نخستین بار در اندیشه فارابی صورت گرفت.

ربانی، نوروزی و قادری (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر اندیشه‌های تربیتی فارابی و دورکیم» اندیشه‌های تربیتی فارابی و دورکیم را بررسی و مقایسه کرده‌اند و گفته‌اند هدف فارابی از طرح تعلیم و تربیت همانا به دست آوردن فضایل چهارگانه (نظری، فکری، اخلاقی و عملی) است که فقط از راه تعلیم و تربیت صحیح می‌توان به آن دست یافت و این خود عاملی برای رسیدن آدمی به مدینه فاضله است که نتیجه‌اش به دست آوردن سعادت و خوش‌بختی است.

کاوندی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «مبانی اندیشه‌های تربیتی فارابی» نتیجه می‌گیرد که فارابی در تبیین دیدگاه‌های تربیتی خویش با نظر به بنیان‌های دین اسلام، آدمی را موجودی از

خدا و بازگشت‌کننده به سوی او تلقی می‌کند. از آنجا که به نظر وی، اخلاق متغیر، و بر این اساس، مقوله‌ای اکتسابی است، و از جهتی، هیچ فضیلتی در آدمی غریزی و فطری نیست، و هیچ انسانی را نمی‌توان یافت که از آغاز آفرینشش کمال در فطرتش موجود بوده باشد، نتیجتاً، تمامی انسان‌ها را برای نیل به نیک‌بختی و کمال محتاج به تعلیم و تربیت از طریق افعال ارادی تصور می‌کند.

تورانی و رهبری (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «نقش قوه خیال در پدیده وحی از دیدگاه فارابی و ملاصدرا» نتیجه می‌گیرند که هر دو اندیشمند معتقدند پیامبر نقش اساسی در قابلیت و دریافت وحی دارد و با ارتقا و کمال در هر دو قوه ناطقه و خیال به دریافت وحی نائل می‌شود، ولی هیچ کدام برای او نقش فاعلی به این معنا که خود تولیدکننده وحی باشد، فائل نیستند.

کیان و نظام‌الاسلامی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تبیین و تحلیلی بر مفاهیم تربیتی اخلاقی از نظر فارابی، کومنیوس و روسو» بیان کرده‌اند که از نظر فارابی، انسان فضایل و رذایلی دارد که در زندگی انفرادی‌اش ظهور نمی‌یابند، بلکه جامعه است که آنها را از حالت بالقوه به فعل درمی‌آورد.

بودری‌نژاد و خسروی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «جایگاه دانش‌های شرعی در طبقه‌بندی علوم از دیدگاه فارابی، غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی» گفته‌اند فارابی از اولین کسانی است که به این موضوع پرداخته است. فارابی با کنار هم قراردادن حکمت عملی و فقه، گام در راه سازگاری‌شان می‌نهد.

برخورداری و خوشدونی فراهانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «زن و عقلانیت بر مبنای انسان‌شناسی فارابی» گفته‌اند به فعلیت رسیدن عقل عملی یا تجربی، در گرو کسب تجارب اجتماعی است و تا زمانی که برای هر صنفی به هر علت، امکان تجربه‌اندوزی فراهم نشود، در خردورزی‌اش اختلال و نقص پدید می‌آید.

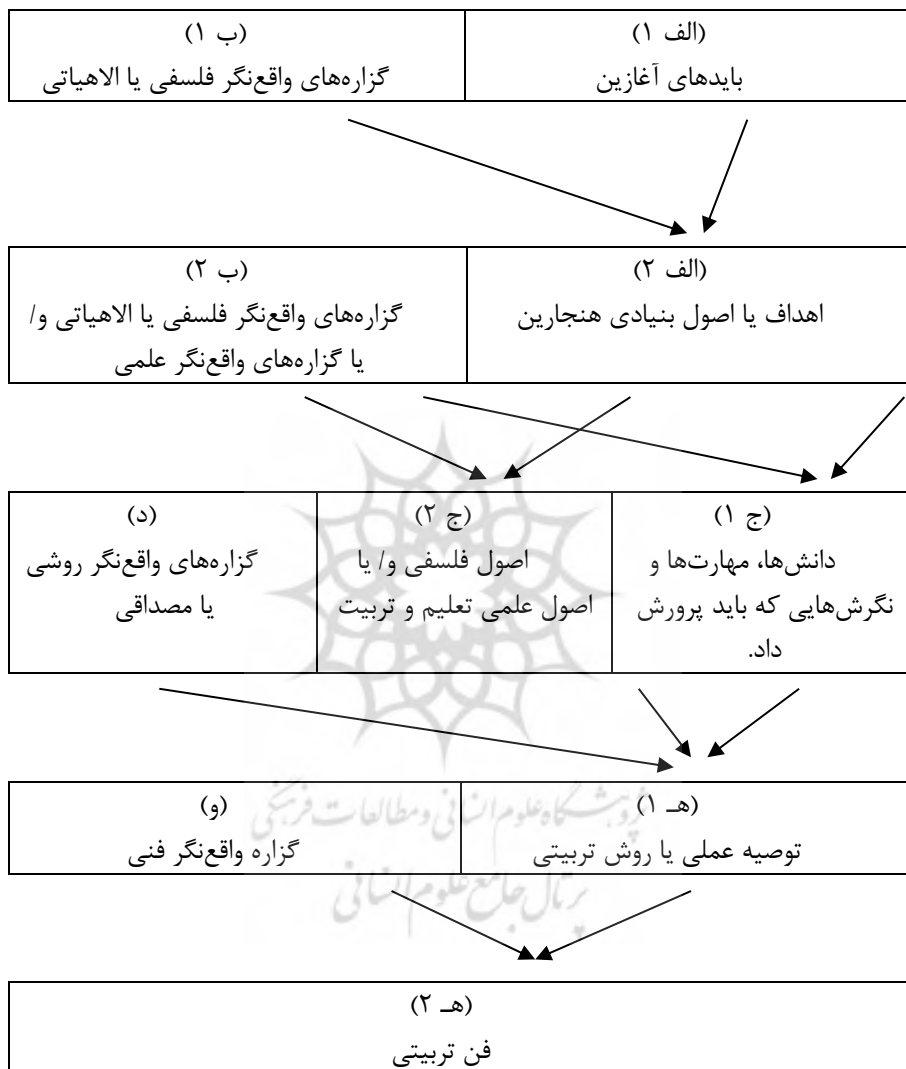
هاشمی و درخشنده (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی اندیشه‌های تربیتی در فلسفه تطبیقی از دیدگاه فارابی و مطهری» نتیجه گرفته‌اند که از منظر فارابی، سعادت دنیوی پیش‌زمینه‌ای است برای نیل به سعادت اخروی، و این غایت فقط به واسطه حصول فضایل چهارگانه و عمل کردن بر اساس آنها دست‌یافتنی است. اما چون هیچ انسانی فطرتاً آراسته به این فضایل نیست، برای کسب معرفت راجع به آنها و نیز معرفت به نحوه حصول و عمل به آنها محتاج آموزگار و راهنما است که این نکته جایگاه برجسته تعلیم و تأدیب را از منظر فارابی آشکار می‌کند.

در این نوشتار کوشیده‌ایم روش‌های کسب معرفت در تربیت عقلانی فارابی را دسته‌بندی و مشخص کنیم و به این پرسش پاسخ دهیم که: روش‌های کسب معرفت در تربیت عقلانی فارابی کدام‌اند؟

روش پژوهش

در این پژوهش، که تحقیقی کیفی است، کوشیده‌ایم با استفاده از روش استنتاجی فرانکنا روش‌های کسب معرفت در تربیت عقلانی فارابی را استخراج کنیم. گردآوری اطلاعات از طریق مطالعه کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و دیگر آثار مکتوب و بر اساس روش تحلیل محتوای قیاسی به منظور توصیف مفاهیم مربوط به موضوع و عنوان تحقیق صورت گرفته است. به این منظور ابتدا در جدول (۱) معانی و مفاهیم مربوط به اهداف تربیت عقلانی در اندیشه فارابی توصیف شده و ۱۱۴ کد مفهوم به دست آمده است. در ادامه، مفاهیم هم‌دسته شده و در ۱۳ مقوله مجزا قرار گرفته و گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی مربوط به آن مشخص شده است. در آخر به روش استنتاجی فرانکنا اهداف، اصول و روش‌های کسب معرفت در تربیت عقلانی از منظر فارابی تبیین شده است.

شکل زیر صورت بازسازی شده الگوی فرانکنا را نشان می‌دهد که پژوهش حاضر بر اساس آن صورت گرفته است (باقری و سجادیه، ۱۳۹۴: ۱۲۱-۱۲۳).



شکل ۱- الگوی بازسازی شده فرانکنا

برای تحلیل و ارزیابی فلسفه‌های تعلیم و تربیت الگوی فرانکنا را به دو صورت می‌توان به کار برد: شیوه پس‌رونده و پیش‌رونده. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و دستیابی به روش‌های کسب معرفت در تربیت عقلانی فارابی از روش پیش‌رونده بهره برده‌ایم. در شیوه پیش‌رونده، حرکت از مقدمات به سوی نتایج است. بر این اساس، می‌توانیم طرح فرانکنا را به این صورت به کار ببریم که متناسب با الگوی (الف ب ج)، نخست مقدمات (الف) و (ب) را در نظر بگیریم و از آنها (ج) را استنتاج کنیم و سپس در الگوی (ج د ه) با در نظر گرفتن مقدمات (ج) و (د)، قسمت (ه) را استنتاج کنیم (همان: ۱۲۲).

جایگاه معرفت در تربیت عقلانی فارابی

تربیت عقلانی، روشی برای پرورش و شکوفایی استعداد تعقل به عنوان نیرویی نهفته در آدمی برای رسیدن به حقیقت و واقعیت است. به واسطه تعقل قوه قضاوت صحیح و قضاوت مبتنی بر دلیل پرورش می‌یابد، یعنی فرد آنچه را که ارائه شده درک و ارزیابی می‌کند و سپس راجع به حسن و قبحش قضاوت خواهد کرد (شریعتمداری، ۱۳۸۸: ۹۹). با مطالعه آثار فارابی و پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه به نظر می‌رسد در دیدگاه فارابی تربیت در بُعد عقلانی، هم عقل نظری و هم عقل عملی را در بر می‌گیرد و هدفش این است که در حیطه عقل نظری مراتب عقل را از عقل هیولایی با طی کردن مراتب بالفعل تا رسیدن به مرتبه عقل مستفاد در پرتو ارتباط با عقل فعال طی کند و در حیطه عقل عملی در پرتو معرفت عقلانی از خردمندی به خردورزی برسد. به عبارتی انسان به مرحله فعلیت تام و مجرد محض برسد.

در اندیشه فارابی آدمی موجودی است که کمال و سعادتش از وجودش منشأ می‌گیرد و توانایی رسیدن به سعادت در وجودش نهفته است. لازمه طی کردن مراتب کمال و رسیدن به سعادت، تربیت درست و کمک‌گرفتن از عقل و معرفت است.

موضوع شناخت و معرفت در دیدگاه فارابی با وجود و مراتبش، که در فلسفه او نقش اساسی دارد در ارتباط است. به اعتقاد فارابی، معرفت عامل رسیدن آدمی به سعادت و فضیلت است. در اندیشه فارابی، آگاهی پیدا کردن از اشیا، گاه به وسیله قوه متخیله و گاه از طریق قوه حاسه صورت می‌گیرد و دلیل این اختلاف، تفاوت معلوم است. از این‌رو، می‌توان معرفت را به سه دسته معرفت

حسی، خیالی و عقلی تقسیم کرد؛ اما معرفت حقیقی همان معرفت عقلانی است، چراکه علم حقیقی آن است که همیشه درست و یقینی باشد و احتمال تکذیبش وجود نداشته باشد، و به همین دلیل است که آنچه عامل برتری نفوس نسبت به یکدیگر محسوب می‌شود، میزان فعلیت‌یافتن قوه ناطقه، یعنی حصول معرفت عقلی است. نفوسی که معقولات اولیه در آنها هنوز شکل نگرفته است، به جاودانگی نمی‌رسند و با از بین رفتن جسم مادی‌شان، نفس نیز فانی می‌شود و نفوسی که معقولات را درک کرده‌اند، پس از نابودی اجسام مادی به جاودانگی می‌رسند، اگرچه این‌گونه نفوس نیز در اثر عوامل دیگر، خود به طبقاتی تقسیم می‌شوند (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

عالی‌ترین درجه معرفت، شناخت خداوند و در نهایت ایمان به او است که عامل رسیدن آدمی به سعادت است. هدف غایی تربیت و کمال نهایی، شناخت حق تعالی و ایمان به او است، زیرا شناخت، بدون ایمان و ایمان بدون شناخت، نمی‌تواند آدمی را به مقصد نهایی برساند. هر کس به این درجه از شناخت برسد، همیشه با خدا بوده و در عین وصال است. این مقام، عالی‌ترین درجه و برترین نتیجه تربیتی شناخت حق برای کسی است که در این مسیر حرکت می‌کند. به عبارت دیگر، رسیدن به حق تعالی، سعادت قصوای آدمی است (فارابی، ۱۴۰۵).

یافته‌های پژوهش

مرحله اول: توصیف

در این مرحله اطلاعات را بر اساس روش تحلیل محتوای قیاسی، به منظور توصیف مفاهیم مربوط به موضوع و عنوان تحقیق گرد آورده‌ایم. جدول (۱) معانی و مفاهیم مربوط به اهداف تربیت عقلانی در اندیشه فارابی را نشان می‌دهد.

جدول (۱): مضامین مربوط به تربیت عقلانی در اندیشه فارابی

| متن | کدهای استخراج شده |
|---|--|
| استعداد مردمان را در معارف و معقولات مختلف است؛ همین امر ایجاب می‌کند که هر فردی فطرتی ویژه خود داشته باشد، غیر از فطرت فرد دیگر (فارابی، ۱۳۶۱: ۱۸۷). | - مختلف بودن استعداد مردمان در معارف و معقولات - وجود فطرتی ویژه برای هر فرد غیر از فطرت فرد دیگر |

| | |
|--|---|
| <p>- تجربه - تعامل فرد با محیط - تعامل بیشتر - ایجاد زمینه مناسب برای رشد عقل</p> | <p>تجربه عبارت است از تعامل فرد با محیط و هر چه این تعامل بیشتر شود، شرایط مناسب‌تری برای رشد عقل فراهم می‌گردد (ایمانی، ۱۳۷۸: ۱۶۱).</p> |
| <p>- اکتسابی بودن قدرت تمییز - غلبه شرایط عاملی برای ضعف قدرت تمییز - تأثیر نداشتن تفاوت ذاتی در ضعف قدرت تمییز</p> | <p>قدرت تمییز به صورت اکتسابی به دست می‌آید و این نشان می‌دهد که اگر ضعفی از این نظر در فردی دیده می‌شود، به خاطر تفاوت ذاتی او نیست، بلکه غلبه شرایط است (فارابی، ۱۳۷۱).</p> |
| <p>- حاصل شدن قضایا در انسان به تجربه - فقدان قضایا در ابتدا در انسان - رشد و افزایش قضایا در انسان - اهمیت زمان در ایجاد قضایا در انسان - تفاضل و برتری انسان‌ها - تکامل یافتن قضایا در امور = صاحب‌نظر شدن در آن امور - پذیرفته شدن رأی و نظر کسی بدون اقامه برهان - دشوار بودن نیل به این مرتبه - تکرار و کسب تجربه در طول زمان - امکان پذیر بودن رسیدن انسان به مرتبه صاحب‌نظر شدن</p> | <p>قضایا در طول زندگانی به تجربه برای انسان حاصل می‌شود و در او تمکّن می‌یابد. قضایایی که در ابتدا انسان واجد آنها نیست و به مرور زمان در او حاصل شده و رشد و افزایش می‌یابد و منجر به تفاضل و برتری انسان‌ها می‌شود که در این جزء از نفس عقل نامیده می‌شود. در هر کس این قضایا در اموری تکامل یافت، صاحب‌نظر در آن امور می‌شود. پس صاحب‌نظر کسی است که هنگام اشاره به چیزی رأی و نظرش بدون اقامه برهان بر آن مطلب، پذیرفته است. نیل به این مرتبه دشوار است و ندرتاً با تکرار و کسب تجربه در طول زمان، انسان به این صفت نائل می‌شود (فارابی، ۱۹۳۸: ۹-۱۰).</p> |
| <p>- تکامل عقل تجربی با تجربه و گذر زمان - اهمیت و کارکرد عقل تجربی - عقل چیزی جز تجربه نیست. - استکمال نفس با کثرت یافتن تجربه</p> | <p>عقل تجربی با تجربه و گذر زمان تکامل می‌یابد. اهمیت و کارکرد عقل تجربی در انسان چنان است که عقل چیزی جز تجربه نیست و استکمال نفس با کثرت یافتن تجربه، صورت می‌پذیرد (فارابی، ۱۴۰۵: ۱۰۰).</p> |
| <p>- کمال قوه متخیله - اطاعت کامل از قوه ناطقه - درک ذواتی که قوه ناطقه در اتصالش با عقل فعال درک می‌کند. - درک کردن در کمال حسن و بها - شنیدن معانی ادراک‌شده قوه ناطقه در قالب الفاظ قابل شنیدن - انتقال معانی به قوه ادراک حسی - ادراک حسی اشخاص و الفاظ با استفاده از حواس پنج‌گانه - برگرداندن ادراک حسی به قوه متخیله</p> | <p>کمال قوه متخیله این است که کاملاً مطیع قوه ناطقه باشد و به آن منجذب شود و ذواتی را که قوه ناطقه در اتصالش به عقل فعال درک می‌کند به صورت انسانی در کمال حسن و بها درک کند و معانی ادراک‌شده قوه ناطقه را در قالب الفاظ قابل شنیدن، از آن انسان بشنود، به این صورت که قوه متخیله، آن معانی را به صورت آن انسان و کلام او تبدیل و آنها را به قوه ادراک حسی منتقل کند و در این صورت حواس پنج‌گانه (مثل سمع و بصر) آن اشخاص و الفاظ را ادراک حسی می‌کنند و دوباره آن را به متخیله برمی‌گردانند و متخیله به عاقله</p> |

| | |
|---|--|
| <p>- بازگرداندن ادراک حسی از متخیله به قوه ناطقه</p> | <p>یا قوه ناطقه باز می‌گرداند (فارابی، ۱۹۵۵، باب ۲۵: ۱۱۰-۱۰۹).</p> |
| <p>- نهادن و گماشتن چشم - قراردادن چیزی زیر دید چشم - یکی از گونه‌های تعلیم - به کار بردن هنگام آموزش - قرار گرفتن چیزی دیدنی در برابر چشم - به کار رفتن حروف در آن - صورت کشیدن و به کار بردن اشکال - به کار بردن ترتیب در امور دیدنی - گونه‌های وضع و گماشتن در برابر دید چشم</p> | <p>یکی از گونه‌های تعلیم وضع (نهادن و گماشتن چشم) است و آن قراردادن چیزی است زیر دید چشم از هر گونه‌ای که ممکن است و این کنش یکی از گونه‌های تعلیم است که اصحاب تعلیم هنگام آموزش آن را به کار می‌برند. وضع، یعنی گماشتن چشم عبارت از قرار گرفتن چیزی دیدنی یا همانند دیدنی در برابر دید چشم است. گونه‌ای که در آن حروف به کار می‌رود، پاره‌ای از گماشتن چشم است و صورت کشیدن و به کار بردن اشکال و به کار بردن ترتیب در امور دیدنی از گونه‌های وضع و گماشتن در برابر دید چشم است (فارابی، ۱۳۸۸: ۱۰۷).</p> |
| <p>- حصول معارف برای انسان از راه حواس - درک جزئیات از راه حس - درک کلیات</p> | <p>«حصول المعارف للانسان یكون من جهة الحواس و ادراکه للکلیات من جهة احساسه بالجزئیات» (فارابی، ۱۳۷۱: ۳۸). حصول معارف را برای انسان از راه حواس است، از آن جهت که انسان از راه حس جزئیات را درک می‌کند و به درک کلیات نائل می‌شود.</p> |
| <p>- عقل مستفاد صورت برای عقل بالفعل - موضوع یا ماده‌بودن عقل بالفعل برای عقل مستفاد - عقل بالفعل صورت عقل بالقوه - عقل مستفاد، آخرین و بالاترین مرحله در سیر صعودی</p> | <p>عقل مستفاد همچون صورت است برای عقل بالفعل و عقل بالفعل شبیه موضوع یا ماده آن است و عقل بالفعل نیز صورت عقل بالقوه است. در سیر صعودی، عقل مستفاد در آخرین و بالاترین مرحله این سلسله کامل قرار می‌گیرد (فارابی، ۱۹۳۸: ۲۱).</p> |
| <p>- مقارن بودن نفس با هیولا و ماده - نشناختن ذات مجرد و صفات آن - دریافت‌نکردن احوال تجردی خویش از طریق نفس - رجوع نکردن به کنه ذات خویش</p> | <p>نفس تا هنگامی که مقارن با هیولا و ماده است ذات مجرد خویش و صفاتی را که به وصف تجردش دارد، نمی‌شناسد، همچنان که احوال تجردی خویش را نیز در نمی‌یابد، چه در این حال نمی‌تواند به کنه ذات خویش رجوع نماید (فارابی، ۱۳۹۰: ۱۶۹).</p> |

| | |
|---|---|
| <p>- خودآگاه‌بودن نفس انسان - مجرد‌بودن نفس از ماده - مجرد‌نبودن نفوس حیوانی - آگاهی‌نداشتن به ذات خویش - معقول‌بودن شیء - مجرد‌بودن از ماده - دریافتن چیزهای محسوس و متخیل به واسطه ابزارها - دریافتن کلیات و امور عقلانی به ذات خویش</p> | <p>نفس انسان از آن رو خودآگاه است که مجرد از ماده می‌باشد و نفوس حیوانی که مجرد نیستند به ذات خویش آگاهی ندارند، چه معقول‌بودن شیء همان مجردبودن آن از ماده است و نفس، چیزهای محسوس و متخیل را جز به واسطه ابزارها در نمی‌یابد. اما کلیات و امور عقلانی را به ذات خویش درمی‌یابد (فارابی، ۱۳۹۰: ۱۸۲).</p> |
| <p>- خودآگاه‌بودن عقل مجرد - وجود لئفسه داشتن نفس ناطقه - وابسته‌بودن به امر دیگر - دریافت‌نکردن ذات خود</p> | <p>چیزهایی که همانند مفارق (عقل مجرد) و نفس ناطقه وجود لئفسه دارند خودآگاه‌اند و چیزهایی که وجودشان وابسته به امر دیگر است (وجود بغیره دارند) مانند قوه بینایی ذات خود را در نمی‌یابند (فارابی، ۱۳۹۰: ۱۸۰).</p> |
| <p>- غایت‌بودن عقل فعال برای نفوس - غایت‌بودن عقل فعال برای اجسام مادی - عقل فعال دارای وجودی بسیط و روحانی - فقدان حالت منتظره در عقل فعال - موجودات مادی با ضعف وجودی - امتزاج با ماده در عالم کون و مکان و فساد - رسیدن به رتبه وجودی عقل فعال</p> | <p>عقل فعال غایت می‌باشد. غایت‌بودن عقل فعال هم برای نفوس است و هم برای اجسام مادی در عالم کون و فساد. برای اجسام مادی مبدأ غایی است، زیرا عقل فعال عقل مفارقی است که وجودی بسیط و روحانی دارد. از این رو حالت منتظره در آن وجود ندارد. بر این اساس، موجودات مادی که به علت امتزاج با ماده در عالم کون و مکان و فساد ضعف وجودی دارند، در تلاش‌اند تا به رتبه وجودی عقل فعال برسند (فارابی، ۱۳۹۲).</p> |
| <p>- عقل فعال خدمت‌گزار انسان است. - به فعلیت رساندن قوه ناطقه از قوه به فعل - به صورت معقولات بالفعل درآوردن سایر اشیا - متحدشدن عقل و عاقل و معقول - نائل‌شدن به مرحله اتحاد در رتبه عقل فعال - رسیدن به سلامت کامل</p> | <p>عقل فعال خدمت‌گزار انسان است، هم قوه ناطقه انسان را از قوه به فعلیت می‌رساند، و هم سایر اشیا را برای انسان به صورت معقولات بالفعل درمی‌آورد و در اثر آن انسان به صورت عقل بالفعل درمی‌آید که عقل و عاقل و معقول در وی متحد می‌گردد و با نائل‌شدن به مرحله اتحاد در رتبه عقل فعال قرار می‌گیرد و در نتیجه به سلامت کامل می‌رسد (فارابی، ۱۳۹۲).</p> |
| <p>- بخشیدن معقولات نخستین به انسان توسط عقل فعال - رسیدن آدمی به سعادت - معقولات نخستین = شناخت‌های نخست</p> | <p>رسیدن آدمی به آن سعادت در صورتی امکان‌پذیر است که نخست عقل فعال معقولات نخستین را، که همان شناخت‌های نخست است، به آدمی بخشایش کند (فارابی، ۱۳۹۶: ۱۹۵).</p> |
| <p>- مقتضای فطرت و سرشت - فقدان شایستگی پذیرفتن دریافت‌های عقلی در برخی انسان‌ها</p> | <p>هر انسانی به مقتضای فطرت و سرشت، شایسته و سزاوار پذیرفتن این چنین دریافت‌های عقلی نخواهد بود، چه افراد آدمی (یکسان پدید نخواهد آمد بلکه) در</p> |

| | |
|---|---|
| <p>- متفاوت بودن انسان‌ها در هستی‌یافتن و داشتن نیروها</p> <p>- برتری برخی از انسان‌ها بر برخی دیگر</p> | <p>هستی‌یافتن و داشتن نیروها، بر یکدیگر برتری‌هایی خواهند داشت (فارابی، ۱۳۹۶: ۱۹۶).</p> |
| <p>- متفاوت بودن انسان‌ها در زمینه دریافت‌های عقلی</p> <p>- فقدان زمینه پذیرش دریافت معقولات نخستین</p> <p>- ناهمگون و گوناگون بودن انسان‌ها به مقتضای سرشت</p> | <p>انسان‌ها به مقتضای سرشت در زمینه دریافت‌های عقلی با یکدیگر ناهمگون و گوناگون‌اند. پس در سرشت برخی از آنان، هیچ‌گونه پذیرفتن دریافت معقولات نخستین نیست، و برخی هم از آن سو، که می‌بایست، زمینه پذیرش آنها را نخواهند داشت (فارابی، ۱۳۹۶: ۱۹۶).</p> |
| <p>- بارور و شکوفاشدن سرشت‌ها و فطرت‌ها</p> <p>- آموزش و یادگیری</p> <p>- دستیابی به کمال یا نزدیک شدن به کمال با تکاپو</p> | <p>همه این سرشت‌ها و فطرت‌ها، با آنچه در آن نقش بسته است، نیاز دارد تا از راه آموزش و فراگیری بارور و شکوفا گردد و از این سو، آدمی بتواند با تکاپو به کمال و یا نزدیک به کمال دست یابد (فارابی، ۱۳۹۶: ۱۹۷).</p> |
| <p>- فطرت مشترک</p> <p>- فطرت خاص</p> <p>- فقدان آمادگی همه انسان‌ها برای معقولات اولیه</p> <p>- خلق شدن انسان‌ها با قوای متفاضل و استعداد‌های متفاوت</p> | <p>انسان‌ها دو فطرت دارند: یک فطرت مشترک و یک فطرت خاص. با توجه به همین فطرت خاص، فطرت همه انسان‌ها برای معقولات اولیه آمادگی ندارند، زیرا انسان‌ها بالطبع با قوای متفاضل و استعداد‌های متفاوت خلق شده‌اند (فارابی، ۱۹۶۴: ۷۶-۷۸).</p> |
| <p>- تفاوت در یادگیری</p> <p>- یادگیری فرآیندی تدریجی</p> <p>- پرورش جنبه‌های مختلف جسمی و روانی</p> <p>- حرکت از آسان به مشکل</p> <p>- عرضه کامل توانایی‌ها</p> <p>- تفاوت در جسم و عقل</p> <p>- متفاوت بودن زمینه‌های یادگیری</p> | <p>افراد در یادگیری متفاوت‌اند و اصولاً یادگیری، تدریجی است. انسان برای پرورش جنبه‌های مختلف جسمی و روانی باید از مراحل آسان به مشکل حرکت کند تا بتواند توانایی‌هایش را به طور کامل عرضه کند. افراد هم در جسم و هم در عقل با یکدیگر متفاوت‌اند. بنابراین زمینه‌های یادگیری‌شان نیز متفاوت است (فارابی، ۱۹۶۴: ۷۶).</p> |
| <p>- به دست دادن قوانین</p> <p>- پیروی از قوانین</p> <p>- استقامت خرد</p> <p>- پیش آمدن اشتباه در بعضی از معقولات</p> <p>- راهنمایی کردن انسان به راه درست و حقیقت</p> | <p>صناعت منطق، به طور کلی قوانینی را به دست می‌دهد که پیروی از آنها باعث استقامت خرد می‌گردد و در مواردی که ممکن است در بعضی از معقولات برای آدمی اشتباهی پیش آید او را به راه درست و حقیقت رهنمون می‌شود (فارابی، ۱۳۸۹: ۵۱).</p> |
| <p>- منفعت صناعت منطق</p> <p>- نیروبخشیدن به ذهن</p> <p>- متمایز ساختن درست از نادرست</p> | <p>منفعت صناعت منطق نیروبخشیدن به ذهن ما است تا پذیرش‌های آن را که درست یا نادرست است از یکدیگر جدا و متمایز کنیم (فارابی، ۱۳۸۸: ۱۳۰).</p> |
| <p>- مقدم بودن آموزش منطق بر هر آموزش دیگری</p> <p>- منطق مفید عقل</p> | <p>آموزش منطق باید بر هر آموزش دیگری مقدم شود. منطق که مفید عقل است، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد، تا</p> |

| | |
|---|---|
| <p>- اهمیت آموزش منطق - اولین مرتبه سعادت = تحصیل منطق - اشتباه‌نکردن مردم در بدیهیات - نیاز به منطق در معقولاتی که باید از طریق فکر و قیاس و با استدلال درک شود.</p> | <p>بدانجا که اولین مرتبه سعادت، تحصیل منطق است. مردم در بدیهیات دچار اشتباه نمی‌شوند، اما معقولاتی هست که باید از طریق فکر و قیاس و با استدلال درک شود و ما در فهم این قبیل معقولات به منطق نیاز داریم (داوری اردکانی، ۱۳۸۹).</p> |
|---|---|

مرحله دوم: مشخص کردن اهداف تربیت عقلانی در اندیشه فارابی

الف. قراردادن کدهای هم‌دسته در مقوله‌های مجزا

جدول (۲): مفاهیم هم‌دسته شده مربوط به اهداف تربیت عقلانی در اندیشه فارابی

| مقوله‌های جایگزین شده | کدهای هم‌دسته | ردیف |
|-----------------------------|---|------|
| اهمیت روش مشاهده در یادگیری | ۱. کمال قوه متخیله | ۱ |
| | ۲. اطاعت کامل از قوه ناطقه | |
| | ۳. درک ذواتی که قوه ناطقه در اتصالش با عقل فعال درک می‌کند. | |
| | ۴. درک کردن در کمال حسن و بها | |
| | ۵. شنیدن معانی ادراک شده قوه ناطقه در قالب الفاظ قابل شنیدن | |
| | ۶. انتقال معانی به قوه ادراک حسی | |
| | ۷. ادراک حسی اشخاص و الفاظ با استفاده از حواس پنج‌گانه | |
| | ۸. برگرداندن ادراک حسی به قوه متخیله | |
| | ۹. بازگرداندن ادراک حسی از متخیله به عاقله یا قوه ناطقه | |
| | ۱۰. نهادن و گماشتن چشم | |
| | ۱۱. قراردادن چیزی زیر دید چشم | |
| | ۱۲. یکی از گونه‌های تعلیم | |
| | ۱۳. به کار بردن هنگام آموزش | |
| | ۱۴. قرارگرفتن چیزی دیدنی در برابر چشم | |
| | ۱۵. به کار گرفتن حروف در آن | |
| | ۱۶. صورت کشیدن و به کار بردن اشکال | |
| | ۱۷. به کار بردن ترتیب در امور دیدنی | |
| | ۱۸. گونه‌های وضع و گماشتن در برابر دید چشم | |
| | ۱۹. حصول معارف برای انسان از راه حواس | |
| | ۲۰. درک جزئیات از راه حس | |
| | ۲۱. درک کلیات | |

| | | |
|--|---|----------|
| <p>رسیدن به رتبه وجودی عقل فعال = سلامت کامل</p> | <ol style="list-style-type: none"> ۱. غایت‌بودن عقل فعال برای نفوس ۲. غایت‌بودن عقل فعال برای اجسام مادی ۳. عقل فعال دارای وجودی بسیط و روحانی ۴. فقدان حالت منتظره در عقل فعال ۵. موجودات مادی با ضعف وجودی ۶. امتزاج با ماده در عالم کون و مکان و فساد ۷. رسیدن به رتبه وجودی عقل فعال ۸. عقل فعال خدمت‌گزار انسان ۹. به فعلیت رساندن قوه ناطقه از قوه به فعل ۱۰. به صورت معقولات بالفعل درآوردن سایر اشیا ۱۱. متحدشدن عقل و عاقل و معقول ۱۲. نائل شدن به مرحله اتحاد در رتبه عقل فعال ۱۳. رسیدن به سلامت کامل | <p>۲</p> |
| <p>عقل مستفاد، آخرین و بالاترین مرحله در سیر صعودی</p> | <ol style="list-style-type: none"> ۱. عقل مستفاد صورت برای عقل بالفعل ۲. موضوع یا ماده بودن عقل بالفعل برای عقل مستفاد ۳. عقل مستفاد، آخرین و بالاترین مرحله در سیر صعودی | <p>۳</p> |
| <p>رجوع نکردن به کنه ذات خویش</p> | <ol style="list-style-type: none"> ۱. مقارن بودن با هیولا و ماده ۲. نشناختن ذات مجرد ۳. دریافت نکردن احوال تجردی خویش توسط نفس ۴. رجوع نکردن به کنه ذات خویش ۵. مجرد نبودن نفوس حیوانی ۶. آگاهی نداشتن از ذات خویش ۷. وابسته بودن به امر دیگر ۸. دریافت نکردن ذات خود | <p>۴</p> |
| <p>خودآگاهی</p> | <ol style="list-style-type: none"> ۱. خودآگاه بودن نفس انسان ۲. مجرد بودن نفس از ماده ۳. معقول بودن شیء = مجرد بودن از ماده ۴. خودآگاه بودن عقل مجرد ۵. دریافتن چیزهای محسوس و متخیل به واسطه ابزارها ۶. دریافتن کلیات و امور عقلانی به ذات خویش ۷. وجود لئفسه داشتن نفس ناطقه | <p>۵</p> |

| | | |
|------------------------|--|---|
| اکتسابی بودن قدرت تمیز | <ol style="list-style-type: none"> ۱. مختلف بودن استعداد مردمان در معارف و معقولات ۲. وجود فطرتی ویژه برای هر فرد غیر از فرد دیگر ۳. تجربه ۴. تعامل فرد با محیط ۵. تعامل بیشتر ۶. ایجاد زمینه مناسب برای رشد عقل ۷. اکتسابی بودن قدرت تمیز ۸. غلبه شرایط عاملی برای ضعف عقل ۹. تأثیر نداشتن تفاوت ذاتی در ضعف عقل ۱۰. حاصل شدن قضایا در انسان به تجربه ۱۱. فقدان قضایا در ابتدا در انسان ۱۲. رشد و افزایش قضایا در انسان ۱۳. اهمیت زمان در ایجاد قضایا ۱۴. تفاضل و برتری انسان‌ها ۱۵. تکامل یافتن قضایا در امور = صاحب نظر شدن در امور ۱۸. تکرار و کسب تجربه در طول زمان ۱۹. امکان پذیر بودن رسیدن انسان به مرتبه صاحب نظر شدن ۲۰. تکامل عقل تجربی با تجربه و گذر زمان ۲۱. عقل چیزی جز تجربه نیست. ۲۲. استکمال نفس با کثرت تجربه | ۶ |
|------------------------|--|---|

ب. مشخص کردن گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی مربوط به اهداف تربیت عقلانی

- ✓ قوه ناطقه و متخیله وسیله معرفت تام در انسان است.
- ✓ فعلیت کامل عقل رسیدن به مرحله عقل مستفاد است.

ج. مشخص کردن اهداف تربیت عقلانی فارابی

جدول (۳): اهداف تربیت عقلانی در اندیشه فارابی

| | | | |
|-------------|---------|----------------|---|
| قیاس عملی ۱ | مقدمه ۱ | باید آغازین | انسان باید در جهت رسیدن به معرفت تام و مقام انسان کامل بکوشد. |
| | مقدمه ۲ | گزاره واقع‌نگر | قوه ناطقه و متخیله وسیله معرفت تام در انسان است. |
| | نتیجه | هدف | دست‌یابی به معرفت تام از مسیر قوه متخیله و ناطقه |
| قیاس عملی ۲ | مقدمه ۱ | باید آغازین | نفس باید از مرتبه عقل هیولانی طی طریق کند و به کمال برسد. |
| | مقدمه ۲ | گزاره واقع‌نگر | فعلیت کامل عقل رسیدن به مرحله عقل مستفاد است. |
| | نتیجه | هدف | کمال عقل نظری و رسیدن به عقل مستفاد |

مرحله سوم: استنتاج اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی

الف. قراردادن کدهای هم‌دسته در مقوله‌های مجزا

جدول (۴): مفاهیم هم‌دسته شده مربوط به اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی

| ردیف | کدهای هم‌دسته | مقوله‌های جایگزین شده |
|------|---|---------------------------------------|
| ۱ | <ol style="list-style-type: none"> ۱. مقتضای فطرت و سرشت ۲. فقدان شایستگی پذیرفتن دریافت‌های عقلی در برخی انسان‌ها ۳. متفاوت بودن انسان‌ها در هستی‌یافتن و داشتن نیروها ۴. برتری برخی از انسان‌ها بر برخی دیگر ۵. متفاوت بودن انسان‌ها در زمینه دریافت‌های عقلی ۶. فقدان زمینه پذیرش دریافت معقولات نخستین ۷. ناهمگون و گوناگون بودن انسان‌ها به مقتضای سرشت ۸. فقدان آمادگی همه انسان‌ها برای معقولات اولیه ۹. خلق شدن انسان‌ها با قوای متفاضل و استعدادهای متفاوت ۱۰. تفاوت در یادگیری ۱۱. تفاوت در جسم و عقل ۱۲. متفاوت بودن زمینه‌های یادگیری | وجود تفاوت‌های فردی |
| ۲ | <ol style="list-style-type: none"> ۱. فطرت مشترک ۲. فطرت خاص ۳. فقدان آمادگی همه انسان‌ها برای معقولات اولیه ۴. خلق شدن انسان‌ها با قوای متفاضل و استعدادهای متفاوت ۵. متفاوت بودن انسان‌ها در زمینه دریافت‌های عقلی ۶. فقدان زمینه پذیرش دریافت معقولات نخستین | لزوم وجود آمادگی برای دریافت‌های عقلی |
| ۳ | <ol style="list-style-type: none"> ۱. بخشیدن معقولات نخستین به انسان توسط عقل فعال ۲. رسیدن آدمی به سعادت ۳. معقولات نخستین = شناخت‌های نخست ۴. مقتضای فطرت و سرشت ۵. بارور و شکوفاشدن سرشت‌ها و فطرت‌ها ۶. آموزش و یادگیری ۷. دستیابی به کمال یا نزدیک شدن به کمال با تکاپو | لزوم آموزش و یادگیری |
| ۴ | <ol style="list-style-type: none"> ۱. تفاوت در یادگیری ۲. یادگیری فرآیندی تدریجی ۳. پرورش جنبه‌های مختلف جسمی و روانی ۴. حرکت از آسان به مشکل ۵. عرصه کامل توانایی‌ها | تدریجی بودن فرآیند یادگیری |

| | | |
|--|----------------------------------|--|
| | ۶. تفاوت در جسم و عقل | |
| | ۷. متفاوت بودن زمینه‌های یادگیری | |

ب. مشخص کردن گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی مربوط به اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی

- ✓ افراد، هم در جسم و هم در عقل، با یکدیگر متفاوت‌اند. بنابراین، زمینه‌های یادگیری‌شان نیز متفاوت است.
- ✓ برای اینکه سرشت‌ها و فطرت‌ها، با آنچه در آن نقش بسته است، بارور و شکوفا شود، به آموزش و فراگیری نیاز است.
- ✓ با آموزش و پرورش دانش‌ها، مهارت و نگرش‌های مختلف با توجه به تفاوت افراد با یکدیگر باید زمینه‌های یادگیری‌شان را فراهم کرد.

ج. استنتاج اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی

جدول (۵): اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی

| مقدمه ۱ | هدف | کمال عقل نظری و رسیدن به عقل مستفاد |
|-------------|---------|---|
| قیاس عملی ۱ | مقدمه ۲ | گزاره واقع‌نگر |
| | نتیجه | اصل استدراج |
| مقدمه ۱ | هدف | دستیابی به معرفت تام از مسیر قوه متخیله و ناطقه |
| قیاس عملی ۲ | مقدمه ۲ | گزاره واقع‌نگر |
| | نتیجه | اصل لزوم آموزش |

د. استنتاج دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی که باید پرورش داد.

جدول (۶): دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی که باید پرورش داد.

| | | | |
|-------------|---------|--------------------|--|
| قیاس عملی ۱ | مقدمه ۱ | هدف | دست‌یابی به معرفت تام از مسیر قوه متخیله و ناطقه |
| | مقدمه ۲ | گزاره واقع‌نگر | برای اینکه سرشت‌ها و فطرت‌ها، با آنچه در آن نقش بسته است، بارور و شکوفا شود، به آموزش و فراگیری نیاز است. |
| | نتیجه | دانش، مهارت و نگرش | علوم و معارف و مهارت‌های مختلفی را که انسان در جهت شکوفایی استعدادهایش به آن نیاز دارد باید در افراد پرورش داد. |
| قیاس عملی ۲ | | هدف | کمال عقل نظری و رسیدن به عقل مستفاد |
| | | گزاره واقع‌نگر | افراد، هم در جسم و هم در عقل، با یکدیگر متفاوت‌اند. بنابراین، زمینه‌های یادگیری‌شان نیز متفاوت است. |
| | | دانش، مهارت و نگرش | با آموزش و پرورش دانش‌ها، مهارت و نگرش‌های مختلف با توجه به تفاوت افراد با یکدیگر باید زمینه‌های یادگیری‌شان را فراهم کرد. |

مرحله چهارم: استنتاج روش‌های کسب معرفت در تربیت عقلانی فارابی

الف. قراردادن کدهای هم‌دسته در مقوله‌های مجزا

جدول (۷): مفاهیم هم‌دسته شده مربوط به روش‌های کسب معرفت در اندیشه فارابی

| مقوله‌های جایگزین شده | کدهای هم‌دسته | ردیف |
|-----------------------------|--|------|
| اهمیت روش مشاهده در یادگیری | <ol style="list-style-type: none"> ۱. کمال قوه متخیله ۲. اطاعت کامل از قوه ناطقه ۳. درک ذواتی که قوه ناطقه در اتصالش با عقل فعال درک می‌کند. ۴. درک کردن در کمال حسن و بها ۵. شنیدن معانی ادراک‌شده قوه ناطقه در قالب الفاظ قابل شنیدن ۶. انتقال معانی به قوه ادراک حسی ۷. ادراک حسی اشخاص و الفاظ با استفاده از حواس پنج‌گانه ۸. برگرداندن ادراک حسی به قوه متخیله ۹. بازگرداندن ادراک حسی از متخیله به عاقله یا قوه ناطقه ۱۰. نهادن و گماشتن چشم ۱۱. قراردادن چیزی زیر دید چشم ۱۲. یکی از گونه‌های تعلیم ۱۳. به کار بردن هنگام آموزش ۱۴. قرارگرفتن چیزی دیدنی در برابر چشم ۱۵. به کار گرفتن حروف در آن ۱۶. صورت کشیدن و به کار بردن اشکال ۱۷. به کار بردن ترتیب در امور دیدنی ۱۸. گونه‌های وضع و گماشتن در برابر دید چشم ۱۹. حصول معارف برای انسان از راه حواس ۲۰. درک جزئیات از راه حس ۲۱. درک کلیات | ۱ |

| | | |
|---|--|---|
| | <ol style="list-style-type: none"> ۱. به دست دادن قوانین ۲. پیروی از قوانین ۳. استقامت خرد ۴. پیش آمدن اشتباه در بعضی از معقولات ۵. راهنمایی کردن انسان به راه درست و حقیقت ۶. منفعت صناعت منطق ۷. نیروبخشیدن به ذهن ۸. متمایز ساختن درست از نادرست ۹. مقدم بودن آموزش منطق بر هر آموزش دیگری ۱۰. منطق مفید عقل ۱۱. اهمیت آموزش منطق ۱۲. اولین مرتبه سعادت = تحصیل منطق ۱۳. اشتباه نکردن مردم در بدیهیات ۱۴. نیاز به منطق در معقولاتی که باید از طریق فکر و قیاس و با استدلال درک شود. | |
| <p style="writing-mode: vertical-rl; transform: rotate(180deg);">اهمیت آموزش منطق</p> | <ol style="list-style-type: none"> ۱. به دست دادن قوانین ۲. پیروی از قوانین ۳. استقامت خرد ۴. پیش آمدن اشتباه در بعضی از معقولات ۵. راهنمایی کردن انسان به راه درست و حقیقت ۶. منفعت صناعت منطق ۷. نیروبخشیدن به ذهن ۸. متمایز ساختن درست از نادرست ۹. مقدم بودن آموزش منطق بر هر آموزش دیگری ۱۰. منطق مفید عقل ۱۱. اهمیت آموزش منطق ۱۲. اولین مرتبه سعادت = تحصیل منطق ۱۳. اشتباه نکردن مردم در بدیهیات ۱۴. نیاز به منطق در معقولاتی که باید از طریق فکر و قیاس و با استدلال درک شود. | ۲ |

| | | |
|-----------------------------------|--|---|
| اهمیت و جایگاه کسب تجربه در زندگی | <ol style="list-style-type: none"> ۱. تجربه ۲. تعامل فرد با محیط ۳. تعامل بیشتر ۴. ایجاد زمینه مناسب برای رشد عقل ۵. حاصل شدن قضایا در انسان به تجربه ۶. فقدان قضایا در ابتدا در انسان ۷. رشد و افزایش قضایا در انسان ۸. اهمیت زمان در ایجاد قضایا در انسان ۹. تفاضل و برتری انسان ۱۰. تکامل یافتن قضایا در امور = صاحب‌نظرشدن در آن امور ۱۱. پذیرفته‌شدن رأی و نظر کسی بدون اقامه برهان ۱۲. دشواربودن نیل به این مرحله ۱۳. تکرار و کسب تجربه در طول زمان ۱۴. امکان پذیربودن رسیدن انسان به مرتبه صاحب‌نظرشدن ۱۵. تکامل عقل تجربی با تجربه و گذر زمان ۱۶. اهمیت و کارکرد عقل تجربی ۱۷. عقل چیزی جز تجربه نیست. ۱۸. استکمال نفس با کثرت‌یافتن تجربه | ۳ |
|-----------------------------------|--|---|

ب. مشخص کردن گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی مربوط به اصول تربیت عقلانی در

اندیشه فارابی

- ✓ حصول برخی معارف برای انسان از راه حواس است.
- ✓ علم، مقدمه عمل است و انسان برای تشخیص حقیقت از خطا و انجام‌دادن کارهای پسندیده، که کارکرد عقل است، به آن نیاز دارد.
- ✓ لازمه استکمال نفس، تجربه و گذر زمان و کثرت‌یافتن تجربه است.

د. مشخص کردن روش‌های کسب معرفت در تربیت عقلانی فارابی

جدول (۸): روش‌های کسب معرفت در تربیت عقلانی فارابی

| | | | |
|-------------|---------|--------------------|--|
| قیاس عملی ۱ | مقدمه ۱ | دانش، مهارت و نگرش | علوم و معارف و مهارت‌های مختلف را که انسان در جهت شکوفایی استعدادهایش به آن نیاز دارد باید در افراد پرورش داد. |
| | مقدمه ۲ | اصل | اصل استدراج |
| | مقدمه ۳ | گزاره واقع‌نگر | حصول برخی معارف برای انسان از راه حواس است. |

| مشاهده | روش | نتیجه | |
|---|--------------------|---------|-------------|
| علوم و معارف و مهارت‌های مختلف را که انسان در جهت شکوفایی استعدادهایش به آن نیاز دارد باید در افراد پرورش داد. | دانش، مهارت و نگرش | مقدمه ۱ | قیاس عملی ۲ |
| اصل لزوم آموزش | اصل | مقدمه ۲ | |
| علم، مقدمه عمل است و انسان برای تشخیص حقیقت از خطا و انجام‌دادن کارهای پسندیده، که کارکرد عقل است، به آن نیاز دارد. | گزاره واقع‌نگر | مقدمه ۳ | |
| آموختن علم | روش | نتیجه | |
| با آموزش و پرورش دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌های مختلف با توجه به تفاوت افراد با یکدیگر باید زمینه‌های یادگیری‌شان را فراهم کرد. | دانش، مهارت و نگرش | مقدمه ۱ | قیاس عملی ۳ |
| اصل استدراج | اصل | مقدمه ۲ | |
| لازمه استکمال نفس، تجربه و گذر زمان و کثرت‌یافتن تجربه است. | گزاره واقع‌نگر | مقدمه ۳ | |
| کسب تجربه | روش | نتیجه | |

نتیجه

فارابی به عنوان مؤسس فلسفه اسلامی با بهره‌گیری از افکار و اندیشه‌های دو فیلسوف نامدار یونانی، افلاطون و ارسطو، و گزینش عقلانی آرای آنها در زمینه تعلیم و تربیت، و تأیید و تقویت آن در بستر اندیشه دینی از طریق آموزه‌های دینی، توانست نظام تربیتی جدیدی را پایه‌گذاری کند. فارابی با دقت و تبحر خاص و ابتکار، معانی و کاربردهای متعدد و متنوع واژه «عقل» را در شش معنای مهم و کاربردی تعریف کرد. با توجه به نظریه عقل فارابی می‌توان روش‌هایی برای کسب معرفت در تربیت عقلانی وی استخراج کرد که عبارت‌اند از:

جدول (۹): اهداف، اصول و روش‌های کسب معرفت در تربیت عقلانی فارابی

| روش | اصل | هدف |
|------------|----------------|---|
| آموختن علم | اصل لزوم آموزش | دستیابی به معرفت تام از مسیر قوه متخیله و ناطقه |
| مشاهده | اصل استدراج | کمال عقل نظری و رسیدن به عقل مستفاد |
| کسب تجربه | | |

این روش‌ها همگی باعث ایجاد معرفت عقلانی شده و توجه به آنها در جهت کمال قوه ناطقه و ارتقای تربیت عقلانی، با توجه به اهمیت و جایگاهش در جوامع مدنی، مؤثر و مفید است. آموختن علوم و معارف، یکی از روش‌های تربیت و تکمیل عقل نظری است. عقل باید با شیوه‌ها و ابزار گوناگون، از جمله شیوه علم‌آموزی، تحقق یابد و به کمالات نظری و عملی شایسته خود نائل شود. فراگرفتن علم باعث رشد عقل می‌شود و لازمه تعقل درست نیز بهره‌مندی از علم است. فارابی، اولین دانشمند اسلامی است که به طبقه‌بندی جامع علوم پرداخته و بدین‌گونه نظام علمی جامعی را طراحی و عرضه کرده است. در این زمینه یکی از اموری که باید به آن توجه شود آموزش علوم مختلف، از جمله آموزش فلسفه، به‌خصوص به کودکان، به عنوان سرمایه‌های مدنی جامعه است که باید در مدارس و نظام آموزشی، مؤلفان کتب درسی و برنامه‌ریزان درسی با جدیت به آن توجه کنند و برنامه‌ریزی دقیقی در این زمینه داشته باشند، چراکه هدف نهایی یادگیری فلسفه، شناخت خداوند به عنوان علت فعال همه امور و مالک جهان بر اساس عقل و عدالت است و نیز متابعت از خالق جهان و عبادت او است و این همان هدف غایی تربیت عقلانی در فلسفه فارابی است.

علم، مقدمه عمل است و انسان برای تشخیص حقیقت از خطا و انجام‌دادن کارهای پسندیده، که کارکرد عقل است، به آن احتیاج دارد. باید توجه داشت که آن علمی انسان را به سعادت نهایی و رستگاری می‌رساند که همراه با ایمان، تقوا، تزکیه و بصیرت باشد. اما علم و دانشی که رنگ و جهت خدایی نداشته باشد توخالی است و به زیان سعادت دنیوی و اخروی انسان است. چون هدف غایی تربیت عقلانی در اندیشه فارابی نیل به الله، به عنوان سبب اول، است.

از میان علوم مختلف فارابی برای علم منطق اهمیت خاصی قائل است و آن را در طبقه‌بندی علوم در مرتبه دوم معرفی می‌کند، زیرا منطق روش تفکر را آموزش می‌دهد و در تربیت عقلانی تأثیر بسزایی دارد. لذا باید در این خصوص روش مشاهده دقیق و هدفمند پدیده‌های طبیعی و تفکر در آنها را به دانش‌آموزان آموزش داد و فعالیت‌هایی را در جهت پرورش این مهارت در برنامه‌های آموزشی و تربیتی مدارس پیش‌بینی کرد.

یکی از راه‌های حصول معرفت در اندیشه فارابی مشاهده است. اهمیت حواس ظاهری و باطنی به عنوان منابع معرفت، بر تمام اذهان کاملاً مشخص است، تا آنجا که فارابی آنها را اولین منبع کسب معرفت معرفی می‌کند. در دیدگاه فارابی، فهم، از حواس ظاهری و از جمله مشاهدات و سپس بقیه حواس و حتی احساسات درونی به خصوص در علم مدنی شروع می‌شود، و از آنجا به تخیل یا تجزیه، تحلیل و ترکیب می‌رسد و در آخر به مرحله انتزاع و تجرید یا تعقل. البته، عامل کسب معرفت علاوه بر حس، تعقل نیز هست، اما تعقل فقط از مجاری حسی صورت نمی‌گیرد. بعضی از معارف بدیهی و ضروری از ابتدای تولد در انسان وجود دارد، که آنها را از طریق حس به دست نیاورده است.

عقل چهارم در نظریه عقل فارابی عقل تجربی است. عقل و تجربه با یکدیگر رابطه محکمی دارند که هیچ ابزار و روش معرفتی را توان چشم‌پوشی کردن از آن یا خطاپنداشتن آن نیست، زیرا هرچند خرد قدرت تجرید دارد، اما به فضایی ضروری نیاز دارد تا آن [وجود انتزاعی و تجریدشده] را بروز دهد.

فارابی معتقد است عقل تجربی بهترین و شایسته‌ترین قوه استنباط خیرات و غایات شریف برای دستیابی به سعادت قصوا است. به نظر می‌رسد دغدغه فارابی برای تشکیل جامعه‌ای سالم و فاضل، حاصل این دیدگاه وی در حوزه عقل و تکامل قوای تفکری و تعقلی بشر است، چراکه به طور طبیعی، تجارب در این نوع جوامع و نیز مشهورات بین این گونه امت‌های فاضل، فضیلت و سلامت بیشتری دارد.

استفاده از روش‌هایی همچون روش اکتشافی و حل مسئله در تدریس باعث ایجاد زمینه برای تعامل دانش‌آموزان با محیط و کسب تجربه و در نتیجه تربیت عقلانی می‌شود و توجه هر چه بیشتر مؤلفان کتب درسی به استفاده از این روش‌ها در تدوین محتوا و نیز استفاده معلمان از آنها می‌تواند مفید و مؤثر باشد.

در آخر، می‌توان گفت مدرسه به عنوان نهادی اجتماعی و مکانی که در آن دانش‌آموزان به عنوان محیط اجتماعی کوچکی با یکدیگر تعامل دارند می‌تواند نقش بسیار مهمی در تربیت عقلانی داشته باشد و به منظور ارتقا و تکامل قوه ناطقه باید سرمایه‌گذاری ویژه‌ای در آن صورت گیرد و افرادی برای تصدی مشاغل مربوط به تعلیم و تربیت انتخاب شوند که شایستگی‌های لازم در این زمینه را داشته باشند.

منابع

- اعرافی، علیرضا و دیگران (۱۳۸۸)، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، جلد اول، تهران: سمت.
- ایمانی، محسن (۱۳۷۸)، *تربیت عقلانی*، تهران: امیرکبیر.
- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس (۱۳۹۴)، *رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- برخوردار، زینب؛ خوشدونی فراهانی، سمیه (۱۳۹۵)، «زن و عقلانیت بر مبنای انسان‌شناسی فارابی»، در: *حکمت معاصر*، س ۲، ص ۹۳-۱۱۷.
- بوذری‌نژاد، یحیی؛ خسروی، قاسم (۱۳۹۴)، «جایگاه دانش‌های شرعی در طبقه‌بندی علوم از دیدگاه فارابی، غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی»، در: *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، س ۴، ش ۱، ص ۱۶۹-۱۹۱.
- تورانی، اعلا؛ رهبری، معصومه (۱۳۹۳)، «نقش قوه خیال در پدیده وحی از دیدگاه فارابی و ملاصدرا»، در: *انسان‌پژوهی دینی*، س ۱۱، ش ۳۱، ص ۷۹-۹۶.
- ربانی، رسول؛ نوروزی، رضاعلی؛ قادری، مهدی (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر اندیشه‌های تربیتی فارابی و دورکیم»، در: *تعلیم و تربیت اسلامی*، س ۱۷، ش ۷۸، ص ۷۵-۱۰۱.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۹)، *فارابی فیلسوف فرهنگ*، تهران: انتشارات سخن.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۸)، *تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران: امیرکبیر.
- فارابی، ابونصر (۱۳۶۱)، *آراء مدینه فاضله*، ترجمه: سید جعفر سبحانی، تهران: طهوری.
- _____ (۱۳۸۸)، *الالفاظ المستعمله فی المنطق*، ترجمه و شرح: حسن ملک‌شاهی، تهران: سروش.
- _____ (۱۳۸۹)، *احصاء العلوم*، ترجمه: حسن خدیوچم، تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۹۰)، *رسائل فلسفی فارابی*، ترجمه: سعید رحیمیان، تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۹۲)، *التعلیقات*، مقدمه، تحقیق و تصحیح: سید حسین موسویان، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- _____ (۱۳۹۶)، *السیاسه المدنیة*، ترجمه و شرح: حسن ملک‌شاهی، تهران: سروش.
- _____ (۱۳۷۱)، *التنبیه علی تحصیل السعاده*، تحقیق: جعفر آل یاسین، تهران: حکمت.
- _____ (۱۴۰۵)، *فصول منتزعه*، تحقیق: فوزی متری نجار، تهران: مکتب الزهرا.

- _____ (۱۹۳۸)، رساله عقل، تصحیح: موریس بویج، بیروت: بی‌نا.
- _____ (۱۹۵۵)، آراء اهل المدينة الفاضلة و مضاداتها، بیروت: دار المكتبة الهلال.
- _____ (۱۹۶۴)، السياسة المدنية، تحقیق: فوزی متری نجار، بیروت: مطبعة الكاثوليكية.
- کاوندی، سحر (۱۳۹۰)، «مبانی اندیشه‌های تربیتی فارابی»، در: معرفت اخلاقی، س ۳، ش ۹، ص ۴۶-۵۴.
- کیان، مرجان؛ نظام‌الاسلامی، فهیمه (۱۳۹۳)، «تبیین و تحلیلی بر مفاهیم تربیتی اخلاقی از نظر فارابی، کومنیوس و روسو»، در: اخلاق، س ۴، ش ۱۳، ص ۶۷-۹۵.
- ملکی، حسن (۱۳۷۹)، تربیت عقلانی در نهج‌البلاغه و دلالت‌های آموزشی آن، کتاب چهارم، بی‌جا: مرکز مطالعات تربیت اسلامی.
- هاشمی، سید احمد؛ درخشنده، رضا (۱۳۹۶)، «بررسی اندیشه‌های تربیتی در فلسفه تطبیقی از دیدگاه فارابی و مطهری»، در: مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، س ۳، ش ۱، ص ۸۹-۱۰۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی